

## بسمه تعالی

### تحلیل مقامات و ابعاد مختلف شخصیت پیامبر اکرم «صلوات الله علیه»

#### از منظر قرآن کریم

اکرم کاکلی<sup>۱</sup>

#### چکیده

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نمونه فاخر از یک شخصیت برجسته در تاریخ می باشد. آنچه حائز اهمیت است، مقام و شخصیت والای پیامبر از قبل از آدم تاکنون بوده که هیچ بشری تا به حال نتوانسته است مانند ایشان باشد، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از دو بعد مادی و معنوی برخوردار است. از نظر بعد مادی فرقی با سایر انسان ها ندارد؛ بلکه با آن ها در حیات مادی و مسایل مربوط به آن شریک است. ولی از لحاظ بُعد معنوی فاصله بسیار زیادی با دیگر انسان ها دارد و همه اهمیت و امتیاز آن حضرت در همین مسأله نهفته است. آنچه موجب شد که تا او واسطه بین خالق و مخلوق، اسوه و الگوی انسان ها باشد برجستگی بعد معنوی آن حضرت است که در قرآن کریم، این معجزه بزرگ پیامبر در آیات مختلفی به آن اشاره نموده است. با توجه به اینکه مقالات زیادی به شخصیت و مقام پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) پرداخته است؛ اما باز بررسی این موضوع با توجه به گستردگی بُعد اخلاقی و معنوی ایشان، بازم به نظر می آید. این مقاله درصدد است تا گوشه ای از ابعاد معنوی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) که در قرآن ذکر شده را به اجمال بررسی و مورد تحلیل قرار دهد. با تحلیل و بررسی به برخی از مقامات از قبیل مقام شفاعت، مقام وحی، تقدم رتبه وجودی پیامبر بر سایر انبیاء، عظمت شخصیت اخلاقی ایشان و ... که در آیات قرآن کریم به آن اشاره شده، دستاورد این مقاله می باشد.

واژگان کلیدی: شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، قرآن، مقامات

---

<sup>۱</sup>. طلبه سطح دو حوزه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) ساوه

## مقدمه

بحیرای مسیحی و بزرگان تمام ادیان دیگر ظهورش را مژده داده بودند، مردی بزرگ از تبار باران و از نسل پیامبران بزرگ که هیچ‌کس نتوانست راز امی بودن و رسالتش را کشف کند و فقط او دانست و خدایش. مردی که با تولدش حوادث مهمی رخ داد و این مژده‌ی بزرگی بود برای ملت عرب که همه عمر در انحصار جهالت پرسی می‌زدند.

شخصیت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله وسلم) شخصیتی است با «اخلاق عظیم»، «امین»، «شفیع» و «مبشر» و «با عاطفه»، جامع همه کمالات و نیکی‌ها، کامل‌ترین انسان و برترین اسوه‌ی بشریت و احیاکننده همه ارزش‌ها و فضیلت‌ها.

پیامبر اعظم (صلی‌الله علیه وآله وسلم) مجموعه تکامل یافته فضائل همه انبیا و اولیای الهی در طول تاریخ درخشان‌ترین عالم موجود است که هزاران فضیلت و کرامت را در خود جای داده است؛ معلم توأم با اخلاق، حکومت همراه با حکمت، عبادت همراه با خدمت به خلق‌الله، جهاد همراه با دوراندیشی و صداقت با مردم در عین پیچیدگی سیاسی، ازجمله ویژگی‌های پیامبر اعظم (صلی‌الله علیه وآله وسلم) است.

برای شناخت شخصیت و منزلت پیامبر اعظم (صلی‌الله علیه وآله وسلم) ابتدا باید از خالق او و از کتاب قرآن که بر قلب او نازل شده است، بهره جست. قرآن کریم، کامل‌ترین صفات و بالاترین ارزش‌ها را برای آن حضرت بیان فرموده است و این کتاب عظیم مملو از صفات و فضائل آن پیامبر عظیم‌الشان (صلی‌الله علیه وآله وسلم) است.

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، سعی دارد ابعاد شخصیت و مقامات پیامبر بزرگ اسلام (صلی‌الله علیه وآله وسلم) در آیات قرآن را مورد بررسی قرار دهد. و به این سئوالات پاسخ دهد که:

(۱) مقامات و ابعاد مختلف شخصیت پیامبر اکرم «صلوات الله علیه» از منظر قرآن کریم

چیست؟

(۲) روش‌های مختلف قرآن کریم برای بیان شخصیت‌ها چگونه است؟

پیشینه تحقیق این موضوع مقاله:

(۱) « مقامات والای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن » نوشته محمد بهرامی است. که این مقاله توضیح مختصری در باره مقامات ایشان اکتفا کرده و بررسی تحلیلی آن را انجام نداده است.

(۲) « شخصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از دیدگاه قرآن » نوشته زهرا لوکه علیخان؛ که در این مقاله نویسنده فقط به توصیف چند نمونه از ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) با بیان مختصر پرداخته است.

## روش‌های مختلف بیان شخصیت‌ها

قرآن برای شناساندن شخصیت‌های الهی از سه راه وارد می‌شود؛ و در مواردی طبق مصالحی از شیوه خاصی پیروی می‌کند.

۱. معرفی با اسم: چنانکه قرآن در مواردی از پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) به اسم یاد می‌کند: «محمد پیام‌آوری بیش نیست و پیش از او نیز پیامبرانی بوده‌اند».<sup>۱</sup>

۲. معرفی با عدد: یکی از روش‌های قرآن، معرفی با عدد است؛ «خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده مراقب برانگیختیم»<sup>۲</sup>

۳. معرفی با صفت: یکی از طرق شناسایی شخصیت‌های الهی، معرفی با صفت است. خداوند متعال در قرآن کسانی را که باید مسلمانان از آن‌ها اطاعت کنند با صفت «اولی الامر» معرفی کرده است... پس معرفی با صفات یکی از شیوه‌های صحیح معرفی شده است.<sup>۳</sup>

۱. پایبندی رسول خدا به عهد و پیمان

پس از نزول وحی و بعثت، قریش پیامبر را «امین» می‌نامیدند.<sup>۴</sup> زیرا آن حضرت سخت پایبند عهد و پیمان، امانت‌دار و اهل وفای به عهد بود.<sup>۵</sup> و لقب امین بر او غلبه یافت و در سراسر مکه به امین معروف شد.<sup>۶</sup>

این زندگی نبی مکرم است، آن دوران جوانی‌اش است، قبل از بعثت. امانت او به جوری است که همه‌ی قریش و همه‌ی اعرابی که او را می‌شناختند، به او لقب «امین» دادند. انصاف او نسبت به افراد و نگاه عادلانه‌ی او نسبت به افراد جوری است که وقتی می‌خواهند حجرالأسود را به جای خود

۱. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَطَ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ». (آل عمران، ۱۴۴)

۲. «لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ». (مائده، ۱۲)

۳. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». (نساء، ۵۹)

۴. ابن هشام، سیره ابن هشام ج ۱، ص ۲۱۴

۵. طبری، تاریخ طبری ج ۲، ص ۲۹۰، اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۱۱؛ مجلسی، بحارالانوار ج ۱۶، ص ۱۱۸

از ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۱

۶. سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۴۱

نصب کنند و طوایف عرب، قبائل عرب با هم مناقشه دارند، نزاع دارند، او را به عنوان حکم قرار می دهند؛ در حالی که او جوان است. این نشان دهنده‌ی نگاه منصفانه‌ی او به همه است که همه این را می دانستند. او را صادق می دانستند، او را امین می دانستند. طبرانی از قول ابو رافع آورده است که آن حضرت فرمود: «أَمَّا وَاللَّهِ وَ لَأَمِينٍ فِي السَّمَاءِ أَمِينٍ فِي الْأَرْضِ» بدانید به خدا سوگند که من در آسمان و زمین امین هستم. میزان پابندی آن حضرت به قرار و پیمان موجب شگفتی است، قاضی عیاض به استاد خود از ابوالحمساء نقل کرده است: که گفت پیش از بعثت با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) معامله‌ای کردم و مقداری از آن باقی ماند. با آن حضرت در مکان وی قرار گذاشتم تا آن را تحویل دهم، اما قرار خود را فراموش کردم تا آنکه پس از سه روز به خاطر آمد؛ پس به مکان وی رفتم و مشاهده کردم که آن حضرت در آنجاست. به من فرمود: (ای جوان مرا سخت به زحمت انداخته و در محذور قرار داده‌ای که سه روز است در اینجا منتظر تو هستم).<sup>۱</sup>

### لوازم پابندی به عهد و پیمان

- (۱) راستگویی
- (۲) همسویی سخن و عمل
- (۳) نفی خیانت و بی‌وفایی

### ۲. مقام بندگی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

در قرآن آیات زیادی اشاره به مقام عبودیت و بندگی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دارد، مقامی که زمینه‌ساز دستیابی به سایر مقام‌ها از قبیل نبوت، رسالت و رفتن به معراج بوده است؛ به عنوان نمونه «پاک و منزّه خدایی است که بندگان را در یک‌شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم، برد تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست»<sup>۲</sup> ذکر عبد برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اشاره به تأثیر عبودیت در رفتن

<sup>۱</sup>. متقی هندی، کنز العمال ج ۱۱ ۳۴۵۷؛ قاضی عیاض، الشفا به تعریف حقوق المصطفی ج ۱ ۳۶۴ و ۱۶۵  
<sup>۲</sup>. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَأَ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيدُوا مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ سَمِيعُ الْبَصِيرِ». (اسراء، ۱)

خشم». همه حیات آن حضرت به مبارزه در راه برپایی عدالت و گسترش آن گذشت. نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای برپایی قسط و عدالت قیام کرد، باطل را در هم کوبید و دین حق را که عدالتش فراگیر بود، آشکار کرد. سیره آن حضرت سیره عدالت و سخن او عدل و منطقش جداکننده حق و باطل بود: «ذَا مَنْطِقُ عَدْلٍ وَ خُطْبَةُ فَصْلِ؛ او دارای منطق عادلانه و طریقی جداکننده حق از باطل بود».

در واقع در سراسر زندگی سیاسی اجتماعی پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) به مقوله عدالت به عنوان بزرگ‌ترین مصلحت اجتماعی نگاه می‌شد. در اندیشه نبوی، اساس و فلسفه تشکیل حکومت، اجرای عدالت در جامعه است و حکومت بدون عدالت هیچ ارزش و اعتباری ندارد. آن حضرت در یکی از بیاناتشان می‌فرماید:

«آیا می‌خواهید شما را از حکومت با خبر کنم که حکومت چیست؟ اول آن سرزنش و دوم آن پشیمانی و سوم آن عذاب در روز قیامت است مگر کسی که عدالت را پیشه کند»؛

از همین رو، یکی از سفارش‌های مهم آن حضرت به کارگزاران حکومتی‌شان، اجرای عدالت بود. فرمان آن حضرت به عمرو بن حازم که به عنوان حاکم یمن منصوب شده بود نمونه‌ای گویا از این حقیقت است. پیامبر گرامی اسلام به وی فرمان می‌دهد که طرف دار حق باشد همان‌طوری که خدا بدان دستود داده است و در انجام دادن حق با مردم نرم باشد و در ستم‌گری بر آنان سخت گیرد، زیرا که خدا ظلم را ناپسند دارد و از آن نهی کرده است.<sup>۱</sup>

## ۱۵. عدالت اقتصادی

عدالت اجتماعی، عدالتی فراگیر در همه جنبه‌های زندگی آدمیان است که از مهم‌ترین ابعاد آن، عدالت اقتصادی است. به اعتقاد پیامبر عدالت، وجود فقر و مسکنت نشانه بی‌عدالتی اقتصادی است، از این رو فرمودند: «بی‌گمان خداوند، روزی بینوایان را در اموال و دارایی توانگران قرار داده است،

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه خطبه ۷۳

<sup>۲</sup>. «... امره بتقوی الله فی امر کله... وامره ان یأخذ بالحق کما امره الله ... ویلین الناس فی الحق ویشتد علیهم فی الظلم فان الله کره الظلم و نهی عنه فقال الا لعنته الله علی الظالمین»؛ زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۲۷۱ -

پس اگر گرسنه و برهنه ماندند، در اثر گناه توانگران است و حقی است بر خدا که آن را در آتش جهنم سرنگون سازد.<sup>۱</sup> جامعه‌ای که در آن عدالت اقتصادی نیست، فاقد حیات است و بی‌گمان سایر جنبه‌های عدالت اجتماعی نیز در آن رخ نمی‌نماید، دارایی‌های جامعه از آن‌همه است و باید مانند خون در پیکر جامعه در گردش باشد که جمع شدن آن در یک گوشه و یا توقف آن در یک جا و دست‌به‌دست شدن آن میان توانگران حیات جامعه را سلب می‌کند. حکومت هم در خدمت برپایی عدالت، مفهومی ماورای آن دارد که در طول تاریخ داشته است. حکومت به مفهوم سلطه، تملک، تجبر، تحکم و برخورداری حاکم یا طبقه حاکمه از امتیازاتی در زندگی نیست. حکومت در مفهوم عدالتمند آن، خدمتگزاری و امانتداری است، چنانکه پیام‌آور از آزادی و عدالت فرمود: «سید القوم خادمهم؛<sup>۲</sup> پیشوا و بزرگ هر قوم خدمت گذار آنان است».

---

۱. «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ آرْزَاقَ الْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَإِنْ جَاعُوا وَعُرُوا فَابْتَغُوا مِنَ الْأَغْنِيَاءِ حَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْبَهُمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ»؛

مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴

۲. ابن بابویه، من لایحضر الفقیه ج ۴، ص ۳۷۸، ابشیهی، المستطرف، ج ۱ ص ۴۵، سیوطی، الجامع الصغیر ج ۲،

ص ۵۹، سیوطی، فیض الغدیر، ج ۴، ص ۱۲۲

## نتیجه گیری

۱. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) خیلی مقام بالا و والایی دارند که هیچ یک از سخنرانان و علما هنوز نتوانستند مقام ایشان را تعریف کنند.

به هر حال هیچ شکی نیست که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به صراحت از تقدم رتبه وجودی و منزلت خویش بارها به اشکال گوناگون سخن گفته است. در فلسفه و عرفان نظری اسلامی این معنا به اثبات رسیده است که صادر نخست یا همان مظهر نخست مظهري کامل و تمام است و از آنجایی که در میان آفریده های الهی کسی به شرافت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نمی رسد، می بایست ایشان همان صادر و یا مظهر نخست باشد.

۲. دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم، بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دختر ایشان و ائمه اطهار (علیهم السلام) جا پای پیامبر عزیزمان گذاشتند اما مقام معراج فقط مختص محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده و هیچ انسان دیگری حتی فرشته ای نتوانسته با مقام ایشان رقابت کند....

۳. در قرآن و سایر روایات، شاید توانسته باشند مقامات پیامبر را استنباط کنند، اما خیلی از مقامات در نزد امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) می باشد که بعد از ظهور ایشان می توانیم به مقامات و شخصیت والای پیامبر پی ببریم.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- (۱) ابشیهی، محمد بن احمد، المستطرف، ج ۱، بیروت: عالم الكتاب، ۱۴۱۹ ق
- (۲) ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لایحضر الفقیه ج ۴، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- (۳) ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
- (۴) ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، سیره ابن کثیر ج ۲، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۲۹۶ ق.
- (۵) ابن هشام، عبد الملك بن هشام، سیره ابن هشام ج ۱، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- (۶) اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ش.
- (۷) خوارزمی، تاج الدین حسین بن حسن، شرح الفصوص الحکم، به اهتمام نجیب مایل هروی، ج ۱، تهران: مولى، ۱۳۶۴ ش،
- (۸) زنجانی، موسی، مدینه البلاغه، ج ۲، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، ۱۴۰۱ ش.
- (۹) زواوی، احمد عبد الفتاح، شمائل الرسول، مصر: دارالقمة، ۲۰۰۶ م.
- (۱۰) سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، فیض الغدیر، ج ۴، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۱ ه.ق
- (۱۱) \_\_\_\_\_، الجامع الصغیر ج ۲، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۹ ه.ق
- (۱۲) طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری ج ۲، بیروت: روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ ق.
- (۱۳) طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: ناشر: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق

- ١٤) عاملی، حیدر، جامع الاسرار و منبع الانوار، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ١٤٢٦ ق.
- ١٥) فرات الکوفی، کوفی، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ١٤١٠ ق.
- ١٦) قاضی عیاض، عیاض بن موسی، الشفا بتعريف حقوق المصطفی، عمان - اردن: دارالفيحاء، ١٤٠٧ ق.
- ١٧) قمی، عباس، مفاتيح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٦٤
- ١٨) متقی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: دار الكتب العلمیة، ١٤١٩ ق.
- ١٩) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ١٦، بیروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق
- ٢٠) محمد بن زین الدین، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، جلد ٤، صفحه ١٢٤ قم: موسسه سید الشهدا، ١٤٠٣ ق
- ٢١) ورام، مسعود بن عیسی تنبيه الخواطر، ج ١، بیروت: مكتبة الفقيه، بی تا.